



درباره داستان کوتاه و به ویژه نقد داستان کوتاه در چند سئواله اخیر آثار متعددی در بین کتاب‌های منتشر شده فارسی می‌توان نام برد که از آن میان، کتاب چهارجلدی داستان و نقد داستان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.^۱ در چهار جلد منتشر شده این کتاب به معروف‌ترین داستان‌های کوتاه ادبیات جهان به همراه نقدهای معروف آنها از منتقدان صاحب نام پرداخته شده است.

همچنین در این زمینه می‌توان به بخش دوم کتاب «درباره رمان و داستان کوتاه» سامرست موام اشاره کرد^۲ که در حقیقت رساله‌ای است در حدود هفتاد صفحه که موام به طور کلی به تعریف و حدود داستان کوتاه نو—که خود او از معروف‌ترین نویسندگان داستان کوتاه در قرن بیستم است—پرداخته است.

«ابراهیم یونسی» نیز در کتاب هنر داستان‌نویسی براساس مآخذی که در این کتاب معرفی کرده است: «به تدوین نظریات گروهی از سخن‌شناسان... که عقاید آنها مورد قبول و اعتنای نویسندگان بنام است» درباره داستان کوتاه به طور اخص پرداخته است.^۳ با نگاهی به فهرست منابع و مآخذی که در آثار مزبور ذکر شده است، می‌توان به اغلب آثاری که در زمینه داستان کوتاه در ادبیات جهان نوشته شده و بعضی از آنها به فارسی برگردانده شده است، دست یافت. از آثار تحلیلی درباره داستان کوتاه کتاب ادبیات داستانی اثر جمال میرصادقی قابل ذکر است. از محاسن این اثر که در واقع تعریف و تحلیل قصه، داستان کوتاه و رمان است، تطبیق این تعاریفات و تحلیل‌ها با برخی از آثار

نویسندگان ایرانی است.^۴ مقایسه داستان کوتاه با داستان و نمایش و ارائه نمونه‌هایی از داستان‌های کوتاه نویسندگان صاحب نام ایرانی، همچون صادق هدایت، بزرگ علوی، جمالزاده، امین فقیری، صادق چوبک و تجزیه و تحلیل آنها، کوششی است که مؤلف برای تعیین کردن حد مشخص و تعریف روشنی از داستان کوتاه انجام داده است. بخش داستان کوتاه و پیدایش آن پس از تعریفی که مؤلف از قصه و قصه عامیانه و گونه‌های آن به دست داده است، تاریخ تولد داستان کوتاه را به شکل و الگوی امروزی آن ارائه می‌کند. بررسی کلی ویژگی‌ها و خصلت‌هایی که داستان کوتاه مدرن در ادبیات داستانی جهان داراست، در فصل «پیش‌کسوت‌های داستان کوتاه» انجام شده است. نگرش به محتوای بنیادی و پایه‌ای داستان کوتاه بدون توجه به زمانه و دوره‌ای که نویسندگان داستان کوتاه در آن می‌زیسته‌اند، در همین فصل شاید از کمبودهای این تحلیل‌های آقای جمال میرصادقی به شمار آید. چه، بدون تردید، شناخت جامعه و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی نویسندگان داستان کوتاه، برجستگیها و امتیازات آثار آنها را بهتر فراروی خوانندگان، به ویژه مبتدیان قرار خواهد داد. اما به هر روی کتاب ادبیات داستانی را به لحاظ ساختار سامان یافته آن، می‌توان به عنوان بهترین منبع کلاسیک یادگیری و آموزش فن داستان کوتاه‌نویسی معرفی نمود. معرفی جنبه‌های هنری داستان‌های کوتاه نویسندگان پیشگام جهان مثل: ادگار آلن پو، گوگول، گی دو موپاسان، آنتوان چخوف، او هنری، جیمز جویس، ارنست همینگوی و جی. دی. سالینجر و خصایص منحصر به فرد آثار آنها، به خواننده امکان درک ویژگی‌ها و جایگاه آثار نویسندگان معاصر ایرانی نظیر: محمدعلی جمالزاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک، جلال آل احمد، ابراهیم گلستان، م. ا. به‌آذین، بهرام صادقی، غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، محمود

دولت‌آبادی، احمد محمود و... را می‌دهد.^۵

در زمینه داستان‌های کوتاه ایرانی به کتاب داستان کوتاه ایران هم می‌توان اشاره نمود.^۶ کتاب، مقدمه‌ای نسبتاً مفصل درباره هفتاد سال داستان کوتاه ایران دارد که سیر تحول داستان کوتاه را در این مدت براساس آثار نویسندگان ایرانی بررسی نموده است. در حقیقت نویسنده آثار منتخب و برگزیده نویسندگان بنام معاصر ایران را ارائه کرده و سپس به نقد آنها پرداخته است. می‌توان گفت: بهترین داستان‌های کوتاه این هفتاد سال که بیانگر دگرگونی سبک و اندیشه نویسندگان ایرانی است در این کتاب نقد شده است. نقدهای آقای بهارلو نیز بسیار دقیق به ارائه ویژگی‌های این آثار پرداخته است. به نحوی که با خواندن هر داستان و نقد آن، هنر و ظرافت نویسنده داستان برای خواننده آشکار می‌شود. این سیر تحول را از کتاب دیگری با عنوان «یادگار خشکسالی‌های باغ»^۷ نیز می‌توان دریافت که مقدمه‌ای شبیه به مقدمه کتاب پیشین دارد. اما در این کتاب داستان‌ها نقد نشده است.

آثاری از این دست به خصوص در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند ولی در هیچیک خبری از نقد داستان کوتاه به مفهوم حقیقی و اصیل به چشم نمی‌خورد. این البته غیر از تک‌نگاری‌هایی است که درباره داستان‌نویسان معاصر فارسی انجام شده است و به عنوان نمونه می‌توان به مجموعه نقدهای عبدالعلی دستتیب درباره آثار نویسندگانی چون: بزرگ علوی، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی و... و نیز شناختنامه ساعدی اثر جواد مجابی یا کتاب بختک‌نگار قوم (نقد آثار غلامحسین ساعدی) تألیف علیرضا سیف‌الدینی و... اشاره کرد.

نیز کتاب سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی^۸ اثر کریستف بالایی و میشل کویی‌پرس به ترجمه دکتر احمد کریمی حکاک را می‌توان یک اثر تحلیلی به روش جدید درباره نثر داستانی معاصر فارسی محسوب کرد که

پروژه ماه دوم اسکان و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مهرداد چترایی عزیز آبادی

بررسی نقد امروزی داستان کوتاه

نقد داستان کوتاه مدرن را به ویژه در مجموعه داستان‌های کوتاه یکی بود، یکی نبود جمالی‌زاده به علاقه‌مندان داستان کوتاه فارسی ارائه می‌کند. نظیر تحلیل‌ها و نقدهای «بالایی» و «کویی پرس» چنانکه درباره آثار سایر نویسندگان داستان کوتاه ایرانی انجام گیرد، تا حدودی خلاء نقد صحیح و اصولی و مدرن داستان کوتاه فارسی را پر خواهد کرد.

از تازه‌ترین تحلیل‌ها و نقدهای داستان کوتاه که امسال منتشر شده است کتاب داستان کوتاه در آینه نقد^۹ است. آنطور که مؤلف محترم در مقدمه تألیف خویش ذکر کرده است، این کتاب را به «منظور پاسخگویی به نیاز دانشجویان و علاقه‌مندان به ادبیات داستانی»^{۱۰} تهیه کرده است. از مؤلف قبلاً مجموعه‌ای از نقد و تحلیل داستان‌های کوتاه به زبان انگلیسی توسط انتشارات دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است که البته همانطور که ایشان در تألیف تازه خویش یادآور شده‌اند، تعداد داستان‌های آن کتاب محدود بود و فقط می‌توانست مورد استفاده آشنایان به زبان انگلیسی واقع شود.

داستان کوتاه در آینه نقد از تنوعی در انتخاب داستان‌های مورد نقد برخوردار است، که هم با گونه‌های مختلف ذوق و سلیقه، سازگار است و هم نمایانگر ویژگی‌های گوناگون داستان کوتاه است. به طور کلی در تمام نقدهای این کتاب عناصر اصلی داستان کوتاه مانند: نوع شخصیت‌پردازی، و تحلیل روانی و اجتماعی شخصیت‌های داستان کوتاه، نوع فضا سازی نویسندگان داستان‌های کوتاه، جنبه‌های کنایی و نمادین داستان‌ها، نوع دیدگاه داستان و موقعیت راوی آن، مورد توجه منتقد محترم بوده است. سی و یک نقد در این کتاب هست که شامل بیست و دو نقد از داستان‌های کوتاه خارجی و نه نقد از داستان‌های کوتاه ایرانی است. آنچه در وهله اول به نظر خواننده می‌رسد - و تا حدودی از کارآمد بودن کتاب کاسته است -

نیارودن اصل داستان‌هاست و چه بسا در دسترس نبودن اصل داستانها برای خوانندگان این کتاب، نقد آن داستان‌ها را هم خالی از فایده می‌نماید و هرچند ارائه خلاصه بیرنگ داستان‌ها این مشکل را تا حدی رفع کرده است، ولی این خلاصه‌ها نمی‌تواند، همه جزئیات نقد و تحلیل داستان‌ها را به خوانندگان عرضه کند. تعداد دوازده داستان از داستان‌های این کتاب برگرفته از کتابی است به نام مرگ در جنگل. مرگ در جنگل در واقع برگزیده‌ای از داستانهای کوتاه برتر جهان است. نوع انتخاب این داستان‌ها خود مروری بر تاریخچه داستان کوتاه مدرن جهان همراه با تحول آن است.^{۱۱} تأمل در داستان‌های این مجموعه به همراه تجزیه و تحلیل و نقد دقیق آنها را می‌توان بهترین الفبای آموختن داستان کوتاه قلمداد کرد. آشنایی با روش‌های گوناگون پرداختن یک داستان کوتاه و شناخت بزرگان داستان کوتاه‌نویسی جهان از فایده‌های این مجموعه است. نمونه‌وار به چند داستان برجسته این کتاب و نیز نقدهای خانم اولیایی‌نیا نظری می‌افکنیم:

از جمله داستان‌های این مجموعه که توسط خانم اولیایی‌نیا نقد و تحلیل شده است داستان مرگ در جنگل است. نقد این داستان مانند نقدهای دیگر منتقد محترم دارای عنوان است. عنوان «هدیه طبیعت» در حقیقت خود نوعی تحلیل بسیار کوتاه از این داستان معروف «اندرسن» است. تأثیری که اندرسن بر روند داستان کوتاه در قرن بیستم گذاشت باعث شده است که یکی دو نسل از نویسندگان پس از او در امریکا، داستان‌های کوتاه اندرسن را به عنوان آثاری که ارائه‌کننده ساختار معینی از سبک داستان کوتاه است، بشناسند. به طور کلی اهمیت اندرسن را باید در ابداعی که او در داستان کوتاه ایجاد کرد، دانست. «اندرسن اولین کسی بود که داستان کوتاه امریکایی را از محدودیت‌ها و قیدوبندهای اسلوب کلاسیک قرن نوزدهمی با طرح‌های ساخته و پرداخته شده و

شخصیت‌پردازی‌های قراردادی آزاد کرد و در داستان‌های کوتاهش، شیوه بیانی تازه‌ای به کار گرفت که در آن سبک آزاد، طرح یا پیرنگ یا به تعبیری پیرنگ] تابع و تحت‌الشعاع درون‌مایه و قالب داستان زاییده و رشد یافته وضع و موقعیت داستان است.»^{۱۲} موقعیت نمادین داستان «مرگ در جنگل» بیش از هرچیز در نقد آن حائز اهمیت است. این داستان بیانگر وضع و حال شخصیتی است که نمونه بارز رنج و محرومیت انسانی است. منتقد به طور دقیق تحلیل روانشناختی و درونی شخصیت اصلی داستان را باز نموده است؛ پیرزنی که تمام دوران زندگی‌اش در تنهایی و رنج و تحمل سختی‌های زندگی می‌گذرد و از نوجه هیچ کس حتی شوهر و فرزند خود نیز برخوردار نیست.

اینکه راوی داستان با نوعی تک‌گویی درونی [interior monologue] به فضا سازی هنرمندانه از محل زندگی و مرگ شخصیت داستان می‌پردازد از نکات قوت و هنر اندرسن در پرداخت این فضا است. این روش و تحلیل شخصیت خود راوی از چنان اهمیتی برخوردار است که منتقد بایسته بود بیشتر به آن می‌پرداخت و خواننده را نیز به این نوع دیدگاه راوی توجه می‌داد.

بسیار مناسب بود که منتقد در تحلیل کلی، از این داستان به رابطه علت و معلولی حوادث داستان نیز اشاره می‌کرد، رابطه‌ای که شالوده اصلی و وجه تشخیص هبر نوع داستان کوتاهی است. درونمایه آثار شروود اندرسن به دلیل همین رابطه علت و معلولی، به طرز استادانه‌ای، ارائه‌کننده بینش عمیق و مهارت و درک واقعی او از داستان‌پردازی است و از همین روی نویسنده بزرگی چون «فاکنر» او را پدر نسل نویسندگان امریکایی و نسل پس از آنها دانسته است.

منتقد محترم، مرگ را برای شخصیت اصلی داستان «مرگ در جنگل» هدیه‌ای از طرف طبیعت برای او می‌داند: «اگر هیچ‌گونه محبتی در زندگی از کسی ندید

پرتال جامع علوم انسانی



داستان کوتاه در آینه نقد

هلن اولیایی‌نیا

نشر فردا، چاپ اول، ۱۳۷۹

طبیعت پس از مرگ از او قدر دانی می‌کند، حتا مرگ او بر اثر سرمای شدید، نوعی رهایی او از زندگی زجرآور می‌باشد.^{۱۳}

نتیجه‌گیری نهایی این داستان هم همین است و منتقد به خوبی آن را تحلیل و بازگو کرده است و خود عنوان «هدیه طبیعت» نیز گواه دقت منتقد گرامی به کل فضای این داستان است.

در مجموعه «مرگ در جنگل» تنها از «ویلیام فاکنر»، دو داستان آورده شد و از بقیه نویسندگان هر کدام یک داستان نقل شده است. ویژگی مهم فاکنر، ارائه دنیایی تخیلی و در عین حال مطابق با واقعیت جامعه آمریکا در آثار خویش است. داستان کوتاه «عمو ویلی» نیز مثل اغلب آثار فاکنر در شهر خیالی «جفرسون» پایتخت «یوکناتا تاوفا»، که بر ساخته ذهن اوست، اتفاق می‌افتد. این داستان توسط خانم اولیایی نیا با عنوان «شاهد شیفته» مورد تحلیل قرار گرفته است. انتخاب راوی اول شخص و زاویه دید مناسب برای توصیف وقایع داستان از ویژگی‌های مهم این داستان کوتاه است که منتقد محترم، به خوبی به آنها پرداخته است. فاکنر مسلماً استاد داستان کوتاه مدرن است و «عمو ویلی» از شاهکارهای برجسته اوست.

در بررسی خانم اولیایی نیا، نکته قابل تأمل اینکه آغاز این داستان که اینگونه در مجموعه مرگ در جنگل آمده است: «می‌دانم آنها چه گفتند. گفتند که من خودم از خانه فرار نکردم، بلکه آدم خل وضعی که، اگر من قبلاً او را نکشته بودم او هفته بعدش مرا می‌کشت، ریوده شدم.»^{۱۴}

و به نظر می‌رسد باید به این صورت باشد: «... بلکه به وسیله آدم خل وضعی... ریوده شدم...». به همان صورت اشتباه و با افتادگی [احتمالاً چاپی] در نقد خانم اولیایی نیا تکرار شده و ایشان اشاره‌ای به این نامفهوم بودن جمله نکرده است.^{۱۵}

(اگر ویراستار دقیقی متن نقدهای ایشان را خوانده بود قطعاً این اشکالات و نیز بی‌توجهی‌هایی نظیر آوردن عبارت‌هایی مثل «با این وجود» به جای «با وجود این» در این تألیف راه پیدا نمی‌کرد.)

«گرچه در باران» داستان کوتاهی است که به خوبی نمایانگر بدعتی است که همینگوی در زمینه داستان کوتاه ایجاد کرد. در داستان‌های کوتاه همینگوی، خواننده بدون درگیر شدن با خیالپردازی‌ها و حادثه‌سازی‌های نویسنده با پرشهایی از واقعیات زندگی اجتماعی روبروست که تأثیری فوری و مؤثر در ذهن او باقی خواهد گذاشت.

خانم اولیایی نیا در نقد این داستان، بیشتر به مسایل روانی و عاطفی زن، که شخصیت اصلی داستان است، پرداخته است. فضای کلی داستان نمادین است (مثل نماد باران، نماد آرزوها و خواسته‌های زن، از قبیل: روشن کردن شمع، بهار بودن، شانه کردن مو مقابل آئینه، داشتن بچه گرچه و...) مرد نیز به طور نمادین نیازهای زنانه همسر خویش را ندیده می‌گیرد و سعی در سرکوب آنها دارد، که «روزنامه خواندن مرد در حالیکه به مسافرت آمده‌اند» و «سلب اختیار و استقلال مالی زن» و «محروم داشتن زن از وجود فرزند» و «از بین بردن حس مادرانه زن» نمونه‌هایی از این نمادهاست.

تمام جزئیات روانشناختی شخصیت‌های این داستان کوتاه همینگوی توسط منتقد تحلیل و بررسی شده و فضای سرد و کسالت‌آور و پر شکاف بین این زوج به خواننده داستان باز نموده شده است. اما مهمترین از این جزئیات درونمایه داستان، توجه به ساختار بیرونی داستان نیز ضروری است. همینگوی در این داستان کوتاه نیز، مثل اغلب آثار دیگرش، «نشان داده است که در زمینه داستان کوتاه، به خلاف پیشینیان به «طرح» و

«حادثه» چندان توجهی ندارد.^{۱۶} آنچه که در این داستان کوتاه اتفاق می‌افتد به ظاهر چندان مهم نیست اما تا مدت‌ها تأثیری شگرف بر ذهن خواننده می‌گذارد.^{۱۷} تمام این داستان هیچ چیز نیست به جز نشان دادن زمان محدودی از زندگی و ارتباط دو شخصیت داستان، بدون هیچ حادثه یا اتفاق شگفت‌انگیزی. اما آنچه که خواننده در می‌یابد، اطلاع وسیعی از نوع زندگی و رابطه این زوج است. در حقیقت آنچه که همینگوی بیان کرده، مانند کلیشه‌ای است که اگر آن را هر جای دیگری از زندگی این زن و شوهر بگذاریم [چه از نظر زمان و چه از نظر مکان]، همین طرح و نقش یکسان را خواهد داشت. زندگی این زوج نه فقط در مسافرت به این شهر و نه فقط در این زمان، بلکه در هر جا و هر زمان دیگری همین است که نویسنده به خواننده عرضه کرده است. و این یعنی هنر اصلی همینگوی در تمام آثارش که در نقد آنها نیز باید بیشتر به آن پرداخته شود.

«ادگار آلن پو» در داستان «تصویر بیضی شکل» همان اعتقاد بدیع خود را درباره هنر و هدف آن ارائه می‌دهد: «هدف هنر، به سادگی، آفرینش زیبایی است و تنها لذت بردن از زیبایی نیست بلکه تلاش بی‌حدی است برای رسیدن به زیبایی یگانه عالم بالا».^{۱۸} آثار «پو» بدون در نظر گرفتن قدرت و نفوذ فراوانش در نقد ادبی، که آن را در داستان‌های خود به کار گرفته و وسعت بخشیده، قابل نقد و تحلیل نیست. نظر «پو» نسبت به هنر و زیبایی در این داستان نیز عرضه شده است. او تنها راه جاودانی شدن حقیقت را پوشیدن لباس هنر می‌داند. خانم اولیایی نیا به تحلیل این پارادوکس هنر می‌پردازد که در عین «وجود خطرات جذب بی حد هنرمند در دنیای خیالی هنرش، راهی به جز این برای هنرمند وجود ندارد که فقط در قالب هنر است که می‌توان واقعیت و حقیقت را ابدی کرد».

نقد چند داستان کوتاه که به زبان فارسی ترجمه



نشده‌اند، در واقع، دایره استفاده از این نقدها را محدودتر می‌کند. داستان‌های «دوشیزه بریل» از کاترین مانسفیلد، عربی «از جیمز جویس»، «برغرور از دست رفته ما موبه کن» از جیمز پلانکت، «اشکها، اشکهای بیهوده» از الیزابت بوون، «بوی گل‌های داوودی» و «برندهای سوار بر اسب چوبی» از دی. ایچ. لارنس، «موردپاول» از ویلاکیتز، «گل‌های داوودی» از جان اشتاین بک، از این جمله‌اند که مناسب‌تر بود دست‌کم تجربه متن کامل این داستان‌ها در کتاب داستان کوتاه در آینه نقد آورده می‌شد تا بر فایده این کتاب می‌افزود. در بخش دوم کتاب، نه داستان از نویسندگان ایرانی نقد و بررسی شده است. داستان‌هایی از جلال آل احمد، سیمین دانشور، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی، شهرنوش پارسی‌پور، شهریار مندنی‌پور و ناهید طباطبایی. در نقد این داستان‌های کوتاه، شخصیت‌های اصلی داستان‌ها بیشتر مورد تحلیل و بررسی - به ویژه از نظر رفتارهای روانی - قرار گرفته‌اند. در حالی که توجه به فضاسازی، دیدگاه داستان و جنبه‌های نمادین داستان نیز باید در نقد آن بررسی شود. نکته چشمگیرتر در این بخش از کتاب، اطناب و تکرارهای بی‌مورد منتقد گرامی است. در نقد دو داستان از خانم دانشور (چشم خفته - مار و مرد) و نیز نقد داستانی از احمد محمود (قصه آشنا) این تکرارها را بیشتر بی‌بینیم که شاید قسمتی به لحاظ تأکید منتقد باشد، ولی بدون تردید چنانکه متن کتاب ایشان توسط ویراستاری آگاه و دقیق قبل از چاپ خواننده و ویراستاری می‌شد، نثر ایشان نثری یکدست و روان و خالی از بعضی سهوها، به چاپ می‌رسید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. گلشیری، احمد. داستان و نقد داستان، انتشارات نگاه، تهران، چهار جلد (جلد چهارم، ۱۳۷۸).

۲. مواف، سامرست. دربارهٔ رمان و داستان کوتاه، ترجمه کاوه دهگان، چاپ سوم، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.

۳. یونسی، ابراهیم. هنر داستان‌نویسی، چاپ ششم، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۷۹.

۴. میرصادقی، جمال. ادبیات داستانی (قصه، داستان کوتاه، رمان) چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی ماهور، تهران. بی‌تا (تاریخ تحریر مقدمه: ۱۳۶۵)

۵. به طور کلی بررسی وضع ادبیات داستانی ایران اعم از رمان و داستان کوتاه توسط مؤلف انجام شده است. به عنوان مثال تحلیل آثار سبک نویسندگانی چون: علی محمد افغانی، سیمین دانشور و نیز رمان‌های دولت‌آبادی، ساعدی، علوی، چوبک، گلستان و... را می‌توان در همین فصل از کتاب ادبیات داستانی خواند.

۶. بهارلو، محمد، داستان کوتاه ایران. (۲۳ داستان از ۲۳ نویسنده معاصر) چاپ دوم، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۳.

۷. رهنما، تورج. یادگار خشکسالی‌های باغ (نمونه‌هایی از داستان کوتاه امروز ۱۳۵۷-۱۳۰۰) چاپ اول، نشر نیلوفر و دوستان، تهران ۱۳۷۶.

۸. بالایی، کریستف و کویی پرس، میشل، سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، چاپ اول، انتشارات معین (با همکاری انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران). تهران، ۱۳۷۸.

۹. اولیایی‌نیا، هلن. داستان کوتاه در آینه نقد. چاپ اول، نشر فردا، اصفهان، ۱۳۷۹.

۱۰. همان، ص ۷.

۱۱. آندرسن، شرود. [و دیگران]. مرگ در جنگل، ترجمه تقی‌زاده، صفر - صفریان، محمدعلی، چاپ دوم، نشر نو، تهران، ۱۳۶۸.

۱۲. همان، ص ۸۶-۸۷.

۱۳. اولیایی‌نیا، هلن. داستان کوتاه در آینه نقد. ص ۱۹.

۱۴. مرگ در جنگل. ص ۲۱۸-۲۱۷.

۱۵. داستان کوتاه در آینه نقد. ص ۲۵.

۱۶. همانطور که گفته شده باید شرود آندرسن را مبدع این شیوه دانست.

۱۷. مرگ در جنگل، ص ۲۷۸.

۱۸. مرگ در جنگل، ص ۲۱.

عقل عذاب می‌دهد

عقل عذاب می‌دهد

علی باباچاهی

انتشارات همراه، چاپ اول، ۱۳۷۹

عقل عذاب می‌دهد مجموعه چهل و یک سفر از علی باباچاهی است که از آذرماه ۷۵ تا فروردین ۱۳۷۸ سروده شده‌اند.

باباچاهی شاعر و منتقد معروفی است و اثر وی تاکنون شانزده کتاب به صورت مجموعه شعر، گزیده شعر و نقد و بررسی منتشر شده که آخرین آنها همین کتاب عقل عذاب می‌دهد است. اشعار این مجموعه نه به شکل کلاسیک و عروضی است، نه در چارچوب شکلی و ریاضی و محتوایی نیمایی می‌گنجد، و نه مشخصه‌های اشعار سپید و شاموویی را دارد. درون تاریکی افتاده‌ای از هر طرف قاطی فکرها را از هر طرف با چشم‌پندگی که لزوماً سیاه نیست انتخاب رنگ که با خودمان است بنفش؟

طوسی چطور؟

که به موهایی نقره‌ای‌ات هم بخورد (ص ۱۰۷) نامانوسی غالب جامعه کتاب‌خوان یا این گونه اشعار باعث شده که باباچاهی مقاله میسوطی به نام «محورها و مشخصه‌های شعر پسانیمایی» بنویسد و به کتاب ضمیمه کند تا به واقع خطوط کلی اشعار مجموعه را شرح دهد. چندتایی از این ویژگی‌ها اینطور آمده است:

- تک معنایی در شعر معنایی ندارد.
- توجه به نسبی‌گرایی، تنوع و تکثر در امور و معناها.
- شعر پسانیمایی از پراکندگی و احتمالات که جانشین ساختارها و علت‌ها می‌گردند این نکته را می‌آموزد که ساختارهای جدیدی را در پراکندگی و عدم قطعیت امور جستجو کند. (ص ۱۵۵)

باباچاهی حتی عنوان کتاب را عقل عذاب می‌دهد گذاشته است که در واقع قیامی علیه تمامی کلیشه‌ها، محور گزینی‌ها و مطلق کردن‌هاست. وی در این کتاب در خلق ذهنیت تازه و روایتی «غیر عقلی» موفق بوده است، چنانکه خود می‌گوید: «آوای جنون هم دیدنی است» (ص ۱۵۴)، اما این ترس وجود دارد که حداقل در این مقطع اشعار «پسانیمایی» صرفاً «حضور» شورش و عکس‌العملی در مقابله با نظم کلیشه‌ای شعر موجود داشته باشند.